

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال ششم، شماره ۳، پیاپی ۲۲، پاییز ۱۴۰۱
صفحات: ۲۰۳-۱۷۹
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۶؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۱۹

سیاست خارجی جمهوری آذربایجان در قبال رژیم صهیونیستی: فرصت‌ها و تهدیدها

عبدالمجید سیفی* / حامد حاجتی چپه زادی**

چکیده

سیاست خارجی دولت‌ها در نظام بین‌الملل متشکل از مجموعه‌ای از منافع داخلی و خارجی است که کنشگران بین‌الملل براساس ارزیابی خود از منافع ملی، آن را در ارتباط با دیگر کنشگران محیط بین‌الملل می‌بینند. این ارزیابی از منافع ملی تحت چارچوبی به‌عنوان «فرصت‌ها» و «تهدیدها» نمود پیدا می‌کند. با آگاهی از این چارچوب در سیاست خارجی، مقاله حاضر به دنبال ارزیابی سیاست خارجی جمهوری آذربایجان در قبال اسرائیل بر اساس نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک است. پرسش پژوهش حاضر این است، جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری آذربایجان در قبال اسرائیل چه فرصت‌ها و تهدیدهایی را پیشروی این جمهوری قرار داده است؟ یافته‌ها نشان می‌دهند سیاست خارجی جمهوری آذربایجان در قبال اسرائیل فرصت‌هایی از جمله موازنه قوا، تقویت بنیه اقتصادی، توسعه صنایع نظامی، دستیابی به فناوری‌های غرب، تقویت قدرت چانه‌زنی در برابر ایران و ارمنستان و تهدیدهایی از جمله تیرگی روابط با ایران، فدراسیون روسیه، دولت‌های اسلامی، امنیتی‌شدن منطقه، تضاد ایدئولوژیک برای این جمهوری به همراه داشته است.

کلید واژه‌ها

اسرائیل، جمهوری آذربایجان، واقع‌گرایی نوکلاسیک، سیاست خارجی.

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آیت‌ا. العظمی بروجردی، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول) seifi2002@gmail.com

** کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آیت‌ا. العظمی بروجردی، بروجرد، ایران

مقدمه

سیاست خارجی هر دولتی بیانگر رویکرد آن دولت برای جستجو، استقرار، حفظ و مدیریت یک محیط امن و قدرت ساز برای آن دولت است. دولت‌ها برای اینکه بتوانند به منافع ملی و اهداف ملی خود در چارچوب ساختار نظام بین‌الملل و رقابت با سایر دولت‌ها دست یابند نیازمند اتخاذ طرح و استراتژی نظام‌مند در سیاست خارجی خود در رقابت با سایر دولت‌ها هستند. این طرح‌ها و استراتژی‌ها در سیاست خارجی هر دولتی متأثر از ارزش‌ها و اعتقادات، زمینه‌های تاریخی و فرهنگی، تصویر کلی هر دولت از سیاست بین‌الملل، برداشت‌های رهبران، مشکلات داخلی، افکار عمومی، نیاز-های داخلی، ساختار نظام جهانی و غیره است که موجب شکل‌گیری روابط خارجی یک دولت با سایر دولت‌ها می‌شود. این شکل‌گیری ارتباط خارجی با دیگر کنشگران در سطح بین‌الملل تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل به‌هم‌پیوسته تحت عنوان «منافع ملی» می‌باشد که سبب جهت‌گیری رفتار خارجی دولت‌ها در قبال دیگر کنشگران بین‌الملل می‌شود. این جهت‌گیری در سیاست خارجی براساس مجموعه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدها می‌باشد که دولت‌ها با محاسبه سود و زیان این ارتباط، به دنبال به حداکثر رساندن این فرصت‌ها و حداقل کردن تهدیدها می‌باشند. از کنشگران بین‌المللی که در منطقه قفقاز قرار دارد، جمهوری آذربایجان است. این جمهوری به دلیل شرایط و موقعیت جغرافیایی خاص خود در ارتباط با دیگر دولت‌ها با مجموعه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدها در سیاست خارجی روبه‌رو است که این امر با قرار گرفتن این کشور در میان قدرت‌های منطقه‌ای، شرایط خاصی را در اتخاذ سیاست خارجی مستقل برای این کشور فراهم کرده است. آذربایجان در سال ۱۹۹۱ میلادی پس از فروپاشی شوروی به‌صورت یک واحد سیاسی مستقل وارد عرصه بین‌المللی شد. ورود این کشور همراه با دو واحد سیاسی مستقل دیگر (ارمنستان و گرجستان) که از شوروی استقلال پیدا کرده‌اند سبب شد منطقه قفقاز مورد توجه و حساسیت زیاد دولت‌های پیرامونی و فرامونونی به‌منظور تأثیرگذاری بر سیاست خارجی این کشورها قرار گیرد. به‌عبارت‌دیگر، در میان دولت‌های قفقاز، آذربایجان به علت داشتن موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی از جمله قرار داشتن در مسیر ارتباطی آسیا و اروپا، محل تقاطع پنج جمهوری استقلال‌یافته شوروی، محل تلاقی شرق و غرب و همچنین قرار گرفتن در میان قدرت‌های منطقه‌ای چون روسیه، ترکیه، ایران، در کنار منابع قابل توجه انرژی، مورد توجه جدی بسیاری از دولت‌ها قرار گرفته است. به‌طوری‌که موقعیت ژئوپلیتیک آذربایجان را به‌عنوان مهم‌ترین دلیل اهمیت این کشور برای اسرائیل عنوان می‌کنند (سعادت قلی‌پورآذر، ۱۳۹۳: ۱۶۱). از نظر موقعیت استراتژیک سواحل شرق و جنوب شرق این کشور به علت استخراج نفت و گاز و

نزدیکی به ایران و منطقه خودمختار قره‌باغ به دلیل ارمنی‌نشین بودن و نزدیکی به مرز ارمنستان، همچنین منطقه شمال غرب به دلیل عبور خط لوله باکو-تفلیس-جیهان، و نیز منطقه خودمختار نخجوان به دلیل واقع شدن در بیرون از خاک اصلی و هم‌مرز بودن با ایران، ارمنستان و ترکیه اهمیت ویژه‌ای دارد. این جمهوری که در گذشته نام آلبانیا و اران بر آن نامیده می‌شد (حسین اف، ۱۳۸۷: ۱۳)، پس از استقلال از شوروی به دلیل عمق سرزمینی کم و قرار گرفتن در همسایگی قدرت‌های برتر (روسیه، ایران و ترکیه) تاکنون تمامی تحرکات کشورها را از زاویه امنیتی ارزیابی کرده و دوری و نزدیکی این کشورها با خود را بر همین اساس تعریف نموده است (ابوالحسن شیرازی و ملاقدیمی، ۱۳۸۷: ۵۵). حفظ توازن و تعادل از طریق ایجاد رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در کنار امنیت از اصول مهم سیاست خارجی این کشور است. سیاستمداران این دولت با طرح موضوعاتی چون حسن هم‌جواری و همکاری مدیریت شده با دولت‌های روسیه و ایران که چندان در اولویت سیاست خارجی آن‌ها نیست، تلاش می‌کنند تا مانع تسلط دولت‌هایی که در اولویت سیاست خارجی آن‌ها است، شود (ابوالحسن شیرازی و ملاقدیمی، ۱۳۸۷: ۵۷). لذا از زمان استقلال سیاست خارجی مبتنی بر موازنه ژئوپلیتیک را در پیش گرفته (امیدی و خیری، ۱۳۹۵: ۱۴۲) به طوری که ارتباط با اسرائیل و موازنه با روسیه و حمله روسیه به گرجستان و سکوت جمهوری آذربایجان را در این راستا می‌توان تعریف کرد.

با توجه به این موارد، این تحقیق نقش پررنگ رژیم صهیونیستی در سیاست خارجی جمهوری آذربایجان را به‌عنوان مسئله اصلی در نظر گرفته به طوری که علیرغم رابطه دیپلماتیک اسرائیل با آذربایجان این کشور سفارت خود را در اسرائیل بازگشایی ننموده ولی رابطه همه‌جانبه‌ای به‌خصوص در زمینه امنیتی و نظامی با اسرائیل دارد. در چارچوب این مسئله پرسش اصلی مقاله این‌گونه صورت‌بندی شده است، جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری آذربایجان در قبال اسرائیل به چه سمت و سویی می‌رود و چه فرصت‌ها و تهدیدهایی نصیب این کشور می‌کند؟ پاسخ به این پرسش ما را به درک بهتر و شناخت منطقی از سیاست خارجی جمهوری آذربایجان در قبال اسرائیل یاری می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهند سیاست خارجی جمهوری آذربایجان در قبال اسرائیل فرصت‌هایی نظیر موازنه قوا، تقویت بنیه اقتصادی، توسعه صنایع نظامی، دستیابی به فناوری‌های جدید، قدرت چانه‌زنی در برابر ایران و ارمنستان و تهدیدهای نظیر تیرگی روابط با جمهوری اسلامی، فدراسیون روسیه، دولت‌های اسلامی، امنیتی شدن منطقه، تضاد ایدئولوژی را به همراه دارد. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی پردازش و از طریق منابع کتابخانه‌ای مورد واشکافی کلی قرار گرفته است.

چارچوب نظری: واقع‌گرایی نوکلاسیک

نظریه واقع‌گرایی بدان جهت به تطابق تغییرات در عرصه بین‌الملل با واقعیت و به عملکرد سیاستمداران و فهم متعارف از سیاست بین‌الملل نزدیک است، مورد توجه قرار دارد. این نظریه رقابت دولت‌ها بر سر منافع را اصل و دولت را بازیگر اصلی در عرصه بین‌الملل قلمداد می‌کند. واقع‌گرایان قدرت را جزء طبیعت انسان می‌دانند و اظهار دارند شهوت قدرت درسرشت و طبیعت انسان وجود دارد (سیف‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۶) و گریزی از آن نیست و نگرانی همه دولت‌ها باید حفظ بقای خود باشند. رئالیست‌ها سیاست بین‌الملل را عرصه مذاکره، چانه‌زنی و دیپلماسی برای به دست آوردن منافع ملی در چارچوب موازنه‌ی منافع بین دیگر کشورها می‌دانند (قوام، ۱۳۹۲: ۲۹۹) و قدرت را در رأس سیاست خارجی قرار می‌دهند. نوواقع‌گرایی یا واقع‌گرایی ساختاری نظریه دیگری از مکتب واقع‌گرایی است که توسط کنت‌والتر در کتاب «نظریه سیاست بین‌الملل» (۱۹۷۹) مطرح شد. این نظریه ضمن - تأکید بر ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، مفروضات اساسی نظریه واقع‌گرایی کلاسیک را پذیرفت (حق‌شناس، ۱۳۹۲: ۶۶۰). واقع‌گرایی ساختاری، نوعی استقلال عمل برای سیاست بین‌الملل قائل است و اشاره دارد آنچه در دولت می‌گذرد اهمیت ندارد و نمی‌توان بر ایدئولوژی رژیم حاکم بر کشورها تأکید داشت (قوام، ۱۳۹۲: ۳۰۳). به عبارتی نقش ساختار نظام بین‌الملل مورد توجه بیشتر نسبت به دولت‌ها قرار گرفت. آن‌ها ضمن تمرکز بر اولویت افزایش بقا، به علت اولویت‌های تعارض‌زا و عدم اطمینان و فهم در مورد نیات و اقدامات دولت‌ها، قدرت را همچنان به‌عنوان هدف در نظر دارند ولی انگیزه اندکی برای بسط و توسعه دارند (حق‌شناس، ۱۳۹۲: ۶۶۹). نظریات جدید، نوواقع‌گرایی را به بی‌توجهی به ساخت دولت و عوامل درونی تأثیرگذار بر رفتار آن متهم می‌کند. با توجه به این امر، نظریه نوواقع‌گرایی کلاسیک مطرح شد. نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک به دنبال تعدیل در تقلیل‌گرایی بیش‌ازحد نوواقع‌گرایی و واقع‌گرایی کلاسیک است. واقع‌گرایی نوکلاسیک مانند واقع‌گرایی کلاسیک ضمن پذیرش تأثیر ویژگی‌های کشورها و متغیرهای سطح واحد بر رفتار دولت‌ها همانند نوواقع‌گرایی، نامعلومی فراگیر در نظام بین‌الملل و تأثیر و اهمیت آنارشی را بر رفتار دولت‌ها را هم می‌پذیرد. نوکلاسیک‌ها ضمن حفظ هسته اصلی نوواقع‌گرایی، همچون جایگزینی برای نوواقع‌گرایی پیشرفته بوده است. واقع‌گرایی نوکلاسیک به شیوه‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی رهبران سیاسی کشورها توجه دارد و برداشت رهبران کشورها از منافع ملی و مدل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری که به کار می‌برند را مهم‌ترین عامل تعارض‌گرایی کشورها می‌دانند (سیف‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۶). آن‌ها با استفاده از سیاست‌ها و ایده‌های داخلی برای پر کردن تصویر ناقص از رئالیست ساختاری هم مطرح می‌شوند

(Rathbun, 2008: 307). واقع‌گرایی نوکلاسیک مدعی است که عوامل داخلی به‌عنوان متغیری مداخله‌گر در ساخت سیاست خارجی عمل می‌کنند. طرفداران واقع‌گرایی نوکلاسیک مدعی هستند که نقش عوامل داخلی در شکل‌دهی به محدودیت سیاست قدرت سنتی، و نقش ادراکات رهبران از تهدیدها در شکل‌دهی به سیاست خارجی را پررنگ می‌دانند. ساختار تحلیلی واقع‌گرایی نوکلاسیک شامل سه سطح مستقل (قدرت بین‌الملل)، سطح میانجی (موضوعات و مسائل داخلی)، سطح وابسته (خط‌مشی سیاسی) است. لذا عناصر و مفروضات واقع‌گرایی کلاسیک و نواقعی‌گرایی را در هم می‌آمیزند، به‌گونه‌ای که هر دودسته متغیرهای سیستمیک و سطح واحد را باهم ترکیب می‌کند تا سیاست خارجی کشورها را تحلیل کنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۷۷). موضوع عمده رتالیسم نوکلاسیک قدرت نسبی در سیاست خارجی است (Rose, 1998: 155) که بر اساس آن دولت‌ها به دنبال فرصت‌ها و تهدیدها در عرصه سیاست خارجی بر اساس توانمندی‌ها هستند.

واقع‌گرایی نوکلاسیک در تحلیل سیاست خارجی به روانشناسی نخبگان حاکم هم توجه می‌کند زیرا باور نخبگان سیاسی بر روابط بین قدرت نسبی و سیاست خارجی تأثیر می‌گذارد (لاوسون، ۱۳۹۵: ۷۱). این نظریه توسط گیدن رز توسعه پیدا کرد (dehghani firoozabadi & zare, 2016: 95). از زمان انتشار اثر رز در سال ۱۹۹۸ بسیاری از اندیشمندان در پی بسط مفهوم این متغیر مداخله‌گر در شکل‌دهی به سیاست خارجی دولت‌ها بوده‌اند. این متغیر مداخله‌گر مطابق عوامل داخلی تأثیرگذار داخلی و تأثیرات محیط خارجی بر رفتار دولت‌ها که واسطه‌ای در رابطه بین متغیر مستقل (ساختاری/ سیستمیک) و متغیر وابسته (رفتار/ نتایج سیاست خارجی) عمل می‌کند. این متغیر مداخله‌گر شامل ادراکات رهبران از تهدیدها، توانایی بسیج توانمندی‌ها و منابع داخلی در برابر چالش‌ها است. واقع‌گرایان نوکلاسیک تلاش دارد مدلی قابل فهم برای تحلیل سیاست خارجی ارائه دهد که تنها به یکی از عوامل داخلی و خارجی ارتباط ندارد و از نظر آن‌ها در نظر گرفتن تنها یکی از عوامل نوعی ناکافی و تقلیل‌گرایی است. طرفداران واقع‌گرایی نوکلاسیک معتقدند که سیاست خارجی یک دولت خاص نتیجه روابط پیچیده بین ساختار داخلی و عوامل داخلی است. بنابراین، دولت ممکن است مجموعه‌ای متفاوت از سیاست‌ها را اتخاذ نماید که توسط عوامل سیستمیک تعیین می‌شود لیکن گزینه‌ای که برمی‌گزیند بر اساس عوامل داخلی نظیر بسیج منابع و توانمندی‌ها برای مقابله با هر چالش یا تهدید خاص است (لاوسون، ۱۳۹۵: ۷۳). بنابراین، بر اساس رهیافت واقع‌گرایی نوکلاسیک، دو دولت می‌توانند با چالش‌های سیستمیک مشابهی مواجه شوند، با این‌وجود سیاست‌های

متفاوتی برای مقابله با این چالش‌ها بر اساس عوامل داخلی متفاوت اتخاذ نمایند که این مسئله تحت تأثیر عوامل داخلی و توانایی آن‌ها برای بسیج منابع و توانمندی‌های آن‌ها برای مقابله با چالش‌ها است. تاریخچه روابط جمهوری آذربایجان با اسرائیل

سابقه روابط آذربایجان با یهودیان به دوران قبل از استقلال سیاسی برمی‌گردد. در قرن نوزدهم باکو به‌عنوان اولین دوست دار صهیونیسم و یکی از مراکز جنبش صهیونیسم در امپراتوری روسیه بود به‌گونه‌ای که در ۱۸۹۹ میلادی اولین سازمان صهیونیستی در جمهوری آذربایجان (باکو) ایجاد شد (آبیل‌اف، ۱۳۹۲: ۴۶). یهودیان به‌صورت تاریخی در این کشور زیسته‌اند و به سه گروه تقسیم می‌شوند. ۱- یهودیان اشکنازی که از منطقه فارسی‌زبانان به سمت این کشور مهاجرت کرده‌اند. ۲- یهودیان ارتفاعات قفقاز (یهودیان کوهستان یا سفاردی‌ها) ۳- یهودیان گرجستانی (محمودی، ۱۳۸۵). یهودیان اشکنازی در قرن ۱۹ در جریان اقدامات و تلاش‌های روسیه برای اشاعه فرهنگ خود به آذربایجان مهاجرت کردند. تعدادی از آن‌ها نیز بعد از جنگ دوم جهانی به‌منظور دوری از اقدامات ضد یهودی نازیسم به منطقه وارد شدند و بخشی از آن‌ها در باکو زندگی می‌کنند. اما یهودیان کوهستان قدمت بیشتری دارند. قدمت آن‌ها به‌پیش از قرن ۵ میلادی می‌رسد. این گروه از یهودیان برای قرن‌ها در ارتفاعات قفقاز زندگی می‌کردند و گفته می‌شود که ریشه و قبایل آن‌ها در گذشته به قبایلی بازمی‌گشته که در سرزمین فلسطین اشغالی زندگی می‌کرده‌اند و بعد از تخریب «معبد اول» در قرن ۵۸۷ قبل از میلاد به قفقاز وارد شدند (آبیل‌اف، ۱۳۹۲: ۴۸). بعد از شکست حکومت تزاری و با روی کار آمدن بلشویک‌ها و ایجاد خلأ قدرت در روسیه، جمهوری آذربایجان توانست با کمک نیروهای عثمانی جمهوری دموکراتیک آذربایجان را در سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ تأسیس کند. در این دو سال با مساعد شدن فضا برای یهودیان آن‌ها شروع به فعالیت کردند. به دنبال آن گیندس که یک یهودی اشکنازی بود توانست به‌عنوان وزیر بهداشت جمهوری دموکراتیک آذربایجان انتخاب شود (امیدی و خیری، ۱۳۹۵: ۱۴۴). اما با قوام گرفتن حکومت بلشویک‌ها این رویه تغییر کرد و حکومت تازه تأسیس جمهوری دموکراتیک آذربایجان با حمله نیروهای شوروی سقوط و به شوروی الحاق شد. بعد از تأسیس رژیم اسرائیل در سال ۱۹۴۸ ارتباط این رژیم با جمهوری شوروی آذربایجان در ارتباط با روابط آمریکا و شوروی تعریف می‌شد. زیرا در آن زمان اسرائیل به‌عنوان متحد آمریکا محسوب می‌شد که در رقابت با بلوک شرق به رهبری شوروی بود. در این دوران آذربایجان شوروی هیچ ارتباطی با

دنیای خارج به‌غیراز حکومت مرکزی نداشت. به‌طوری‌که در حمله اسرائیل به اعراب در سال ۱۹۶۷ با توجه به متحد بودن اعراب با شوروی اقدام به قطع رابطه خود با اسرائیل کرد (پناهی و امیری، ۱۳۹۴: ۴۴). اما باروی کار آمدن گورباچف این فضا تغییر کرد و یهودیان آذربایجان توانستند فعالیت خود را شروع کنند به‌گونه‌ای که روابط خود را با اسرائیل برقرار کرده و به یهودیان شوروی اجازه مهاجرت به اسرائیل داده شد. از این‌رو بعضی جمهوری‌های شوروی از جمله آذربایجان با اسرائیل روابط فرهنگی، اقتصادی برقرار کرده. این گروه از جمعیت از آزادی مذهب برخوردار بودند و رشد فزاینده‌ای در دستگاه حکومتی جمهوری آذربایجان داشته‌اند. بعد از استقلال آذربایجان از شوروی این روابط گسترش یافت به‌طوری‌که پیشینه خوب آذربایجانی‌ها با یهودیان به‌عنوان نقطه مشترک روابط دوجانبه قرار گرفت که امروزه مقامات آذربایجان همیشه به این پیشینه و رابطه با یهودیان و اسرائیل افتخار می‌کنند (آبیل اف، ۱۳۹۲: ۴۷). به دنبال همین اسرائیل جزء اولین موجودیت‌هایی بود که ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخت (فیروزی، ۱۳۹۰، ۸۷). روابط دوجانبه پس از استقلال آذربایجان به‌ویژه در زمینه فرهنگی با اسرائیل به‌شدت گسترش پیدا کرد. این گسترش روابط با بسط در سایر حوزه‌ها از جمله مسائل اقتصادی و امنیتی رنگ بوی جدی‌ای به خود گرفت. در حال حاضر در آذربایجان پنج پرستشگاه یهودی و پانزده انجمن یهودی وجود دارد (فیروزی، ۱۳۹۰: ۸۷) و تعدادی قابل‌توجهی از سازمان‌های یهودی در این جمهوری فعالیت می‌کنند نظیر مرکز فرهنگی جامعه یهودیان، انجمن امور بشردوستانه زنان یهود در جمهوری آذربایجان، مراکز خیریه هاوا، مجمع جهانی رژیم صهیونیستی - آذربایجان، سازمان هسد - گرشون (سعادت قلی‌پور آذر، ۱۳۹۳: ۱۶۵-۱۶۳). این مراکز به‌عنوان لابی اسرائیل برای نفوذ در آذربایجان عمل می‌کنند و بر گسترش دیپلماسی و روابط اقتصادی دو کشور بسیار مؤثر بوده است (ارس، ۱۳۷۸: ۷۱). این نفوذ فرهنگی و اقتصادی اسرائیل از طریق یهودیان ساکن در آذربایجان و مهاجران یهودی از سرزمین‌های اشغالی سبب تأثیرگذاری بر مقامات حاکم بر این جمهوری شده است به‌طوری‌که دولت آذربایجان هر ساله روز هولوکاست را گرامی می‌دارد (احمدی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۶۰) و نسبت به تظاهرات روز قدس در محکومیت اقدامات اسرائیل در فلسطین مواضع منفی اتخاذ می‌کند. بر اساس اسناد منتشرشده از ویکی لیکس آذربایجان برای همراهی با اسرائیل، تظاهرات در نزدیکی سفارت اسرائیل در محکومیت حمله این رژیم به غزه را ممنوع اعلام کرده (وئوقی و رضایی، ۱۳۹۴: ۱۸۴). اما بخش عمده روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل مربوط به انرژی می‌باشد به‌طوری‌که محور اصلی اولین سفر نتانیاهاو در سال ۲۰۰۹ به باکو را نفت عنوان کرده‌اند (آبیل اف، ۱۳۹۲: ۵۶-۵۴). بر اساس این عامل اسرائیل

دومین واردکننده نفت جمهوری آذربایجان است و حدود ۴۰ درصد نفت اسرائیل از آذربایجان یا از خط لوله (باکو- تفلیس- جیهان) به اسرائیل وارد می‌شود (لیندن استراوس، ۱۳۹۴: ۸۶). جالب است احزاب موجود در جمهوری آذربایجان به‌رغم اختلافات گسترده در مسائل مختلف در گسترش روابط با اسرائیل اتفاق نظر دارند (گروه پژوهش موسسه، ۱۳۸۸: ۲۱۴). با توجه به این روابط گسترده، آذربایجان هنوز در اسرائیل سفارت خود را افتتاح نکرده و از طریق دفتر خطوط هوایی اسرائیل در آذربایجان کارهای دیپلماتیک را انجام می‌دهد (گروه پژوهش موسسه، ۱۳۸۸: ۲۱۴). جمهوری آذربایجان علت عدم افتتاح سفارت خود در اسرائیل را عضویت در سازمان همکاری اسلامی و همسایگی با ایران عنوان کرده است (آییل اف، ۱۳۹۲: ۴۹).

تا قبل از سال ۲۰۰۴ مقامات اسرائیل تنها دو بار از جمهوری آذربایجان بازدید کردند که آن‌هم دیدار وزیر بهداشت اسرائیل در سال ۱۹۹۰ از باکو و دیگری سفر کوتاه نتانیاها در سال ۱۹۹۷ بود (فیروزی، ۱۳۹۰: ۹۴). اما بعد از روی کار آمدن الهام علی‌اف این دیدارها گسترش زیادی پیدا کرد. اولین دیدار رسمی شیمون پرز (رئیس‌جمهور اسرائیل) در سال ۲۰۰۹ با درخواست رسمی الهام علی‌اف صورت گرفت. در این سفر دو روزه وزیر دفاع و تعدادی زیادی از مدیران شرکت‌های تجاری پرز را همراهی کردند که توافقات نظامی بین طرفین حاصل شد. به دنبال این توافقات در سال ۲۰۱۲ قرارداد ۱٫۶ میلیارد دلاری خرید تجهیزات نظامی بسته شد و به دنبال آن اسرائیل نیروی دریایی جمهوری آذربایجان را تجهیز و موشک‌های ضد کشتی به این کشور تحویل می‌دهد. طی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ چندین بار وزرای دفاع و خارجه اسرائیل از باکو دیدن کردند و در سال ۲۰۱۳ وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان از تل‌آویو بازدید کرد (امیدی و خیری، ۱۳۹۵: ۱۴۷). این روابط به‌گونه‌ای گسترش یافته که در میان کشورهای مسلمان به این گستردگی و راهبردی روابط با اسرائیل دیده نمی‌شود. به‌گونه‌ای که الهام علی‌اف روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل را به کوه یخ شناور تشبیه کرده است که تنها بخش ناچیزی از آن دیده می‌شود (لیندن استراوس، ۱۳۹۴: ۸۲). در این دوره علاوه بر گسترش روابط سیاسی و اقتصادی، روابط نظامی این کشور با اسرائیل گسترش زیادی یافت. در سال ۲۰۱۲ گزارشی مبنی بر معامله ۱۶ میلیاردی حاصل از فروش سلاح از شرکت‌های اسرائیلی به آذربایجان منتشر شد (پناهی و امیری، ۱۳۹۴: ۸۳). این خریدهای نظامی از اسرائیل نقش قابل توجهی در پیروزی آذربایجان در برابر ارمنستان در نبرد آوریل ۲۰۱۶ شد که موجب اعتراض ارمنستان از اسرائیل شد (امیدی و خیری، ۱۳۹۵: ۱۴۷). به گفته مقامات باکو این همکاری نظامی با اسرائیل عاملی برای توازن منطقه می‌باشد (فیروزی، ۱۳۹۰: ۹۹).

۱. دوره ایاز مطلب اف (۱۹۹۲-۱۹۹۱)

سیاست خارجی ایاز مطلب اف به عنوان اولین رئیس جمهور آذربایجان در ارتباط با کشورهای هم‌جوار تعریف می‌شد. مطلب اف طرفدار شدید ایجاد رابطه نزدیک با روسیه بود و بیان می‌داشت نمی‌توان هم‌زمان خواسته‌های آمریکا و روسیه را برآورده کرد. باید روابط خود را با کشورهای نزدیک (ترتیباً منطقه‌ای) به جای کشورهای دور (ترتیباً فرا منطقه‌ای) تعریف کنیم. سیاست خارجی جمهوری آذربایجان در این بازه زمانی ضعیف بود (جوادی ارجمند و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۹). درباره مسئله قره‌باغ مدعی بود کلید حل آن در دست روسیه است (واحدی، ۱۳۸۲: ۱۴۱-۱۴۰). در این دوره روابط اسرائیل با جمهوری آذربایجان در ۷ آوریل ۱۹۹۱ برقرار شد (فیروزی، ۱۳۹۰: ۸۷) ولی در سیاست خارجی مطلب اف اسرائیل نقش برجسته‌ای نداشت. عمده روابط با اسرائیل به صورت فرهنگی، تجاری و امنیتی بود (کولایی و اصولی، ۱۳۹۱: ۸۹-۸۸).

۲. دوره ابوالفضل ایلچی بیگ (۱۹۹۳-۱۹۹۲)

ایلچی بیگ با اتخاذ سیاست پان‌ترکیسم در همگرایی با ترکیه قدم برداشت (واحد ناوان، ۱۳۸۳: ۶۵). او سیاست خارجی خود را در نزدیکی به ترکیه، اسرائیل و غرب تعریف کرد و این امر باعث واکنش ایران و روسیه شد. با شکست جمهوری آذربایجان از ارمنستان در جنگ قره‌باغ و سیاست ضد روسی و مشکلات اقتصادی باعث سقوط حکومت ایلچی بیگ شد. ایلچی بیگ که از ملی‌گرایان افراطی جمهوری آذربایجان بود سیاست نزدیکی بیشتر با اسرائیل را پیش گرفت به طوری که نفوذ اسرائیل در این کشور گسترش یافت به صورتی که حکومت ایلچی بیگ و اسرائیل در دشمنی با جمهوری اسلامی ایران نگاه مشترکی داشتند (کولایی و اصولی، ۱۳۹۱: ۸۸) اسرائیل در سال ۱۹۹۳ در باکو سفارت‌خانه خود را برقرار کرد (لیندن استراوس، ۱۳۹۴: ۸۲) و روابط فرهنگی و سیاسی خود را با آذربایجان گسترش داد اما این روابط تحت تأثیر موقعیت ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان، عضویت در سازمان همکاری اسلامی، مسلمان بودن اکثریت این کشور، حساس بودن این ارتباط برای روسیه به عنوان متحد آمریکا و ایران دچار نوسان شد.

۳. دوره حیدر علی اف (۲۰۰۳-۱۹۹۳)

حیدر علی اف در سال ۱۹۹۳ به ریاست جمهوری آذربایجان انتخاب شد. پس از تصدی پست ریاست جمهوری سعی در اتخاذ سیاست واقع‌گرایی در سیاست خارجی خود نمود. او از سیاست‌های ایلچی بیگ دوری کرد و سعی کرد در کنار رابطه خوب با روسیه و ایران، ارتباط با آمریکا و کشورهای اروپایی

را که وزنه اصلی سیاست خارجی ایلچی بیگ بود، را تعدیل کند. حیدر علی‌اف با در نظر گرفتن حساسیت ایران در زمینه ارتباط با اسرائیل و جلوگیری از تحریک روسیه در ارتباط با ناتو و آمریکا، خواهان ارتباط هرچه بیشتر با اسرائیل در جهت حفظ منافع ملی بود. بنیامین نتانیاهو در سال ۱۹۹۷ در بازگشت از سفر خود از شرق دور در باکو توقف کرد و با حیدر علی‌اف دیدار کرد، در همان سال هم حیدر علی‌اف در سفری به آمریکا خواهان ملاقات با سازمان‌های یهودی در آمریکا شد (امیدی و خیری، ۱۳۹۵: ۱۴۶) زیرا از نفوذ لابی اسرائیل در آمریکا آگاه بود و از این طریق به دنبال تأثیر گذاری بر روی آمریکا بود. بعد از آن هم حیدر علی‌اف در سال ۲۰۰۱ در دیدار با سفیر اسرائیل در باکو بر همکاری دو کشور تأکید کرد و بیان داشت جمهوری آذربایجان و اسرائیل مواضعشان در زمینه گروه‌های تروریستی شبیه هم است (امیدی و خیری، ۱۳۹۵: ۱۴۹). در دوره حیدر علی‌اف اگرچه سیاست معتادانه‌ای در قبال کشورهای منطقه پیش گرفت ولی در این دوران روابط اقتصادی و امنیتی با اسرائیل به صورت آهسته، به گونه‌ای که موجب تحریک بیشتر کشورهای اسلامی و روسیه نشود رو به گسترش یافت.

۴. دوره الهام علی‌اف (۲۰۰۳- تاکنون)

در سال ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰ از حزب آذربایجان نوین به مجلس ملی راه یافت و در سال ۲۰۰۳ بعد از فوت پدرش (حیدر علی‌اف) در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرد و به‌عنوان رئیس‌جمهور منتخب مردم انتخاب شد. الهام علی‌اف در سیاست خارجی خود توجه شدیدی به آمریکا، ترکیه، اروپا و اسرائیل دارد. در دوره الهام علی‌اف روابط نظامی - امنیتی و اقتصادی آذربایجان با اسرائیل رو به گسترش یافت به حدی که افزایش نگرانی همسایه جنوبی (ایران) را در پی داشته است.

سیاست خارجی مبتنی بر قدرت نسبی

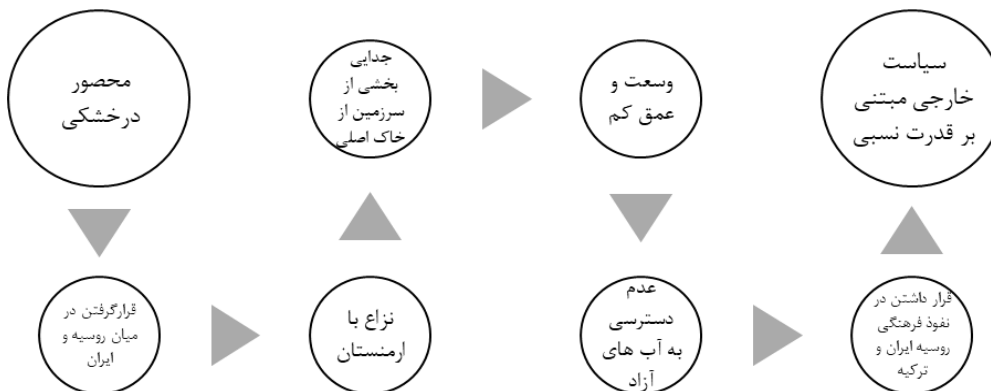
جمهوری آذربایجان از بدو استقلال، برای رهایی از موانع ژئوپلیتیکی به دنبال سیاست خارجی تغییر موازنه بوده. این رویکرد بیشتر ناشی از ادراکات رهبران این جمهوری از تحولات بین‌المللی به‌ویژه دولت‌های مجاور نشأت می‌گیرد. قرار گرفتن آذربایجان در میان قدرت‌های منطقه‌ای و نزاع با ارمنستان بر سر مسئله قره‌باغ سبب شده این دولت به‌منظور کاهش تهدیدات خود که ناشی از ادراک رهبران از هژمونی برتر روسیه در منطقه و قرار گرفتن در مسیر ایدئولوژی حاکم بر ایران می‌باشد، اقداماتی در راستای محدود کردن این هژمونی انجام دهند. در واقع آذربایجان به علت داشتن موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئواستراتژیکی که ناشی از منابع غنی انرژی و همسایگی با قدرت‌های منطقه‌ای تأثیرگذار در تحولات بین‌المللی است، مورد توجه کنشگران فرا منطقه‌ای قرار دارد. لذا این

توجه سبب شده است مجموعه فرصت‌ها و تهدیدهایی شامل این دولت شود که می‌تواند موانعی در راستای تحقق سیاست خارجی مستقل شود. به عبارت دیگر حصول امنیت برای این دولت بر طبق ادراکات حاکم بر رهبران آذربایجان از طریق ورود بازیگران فرامنطقه‌ای به منظور تعدیل قدرت بازیگران منطقه‌ای امکان‌پذیر است. لذا از بدو استقلال از شوروی به این منظور، سیاست همراهی با غرب به‌ویژه آمریکا را در پیش گرفت. در این راستا پس از خروج از ساختار حاکمیتی شوروی، به منظور سیاست مستقل و حفظ امنیت داخلی و خارجی خود به صورت تدریجی ترتیبات امنیتی خود را در خارج از منطقه جستجو کرد.

از آنجایی که آذربایجان خود را جزئی از فرهنگ و تاریخ ایران و روسیه می‌دید و به علت نزاعی که با ارمنستان بر سر مسئله قره‌باغ دارد و دوری از تأثیرپذیری فرهنگ دینی ایران، به دنبال افزایش مناسبات با قدرت‌های فرا منطقه‌ای برای موازنه قدرت در قفقاز است. بدین سبب علاوه بر روابط نزدیک با آمریکا و اروپا به‌طور ویژه به دنبال افزایش مناسبات با اسرائیل است. در این میان اسرائیل هم با توجه به دگرترین ارتباط با کشورهای پیرامونی (اتحاد پیرامونی^۱) به‌ویژه کشورهای اسلامی غیر عرب به شدت به این رابطه علاقه دارد و در این زمینه بسیار فعال بوده است. سخنان لیبرمن وزیر خارجه اسرائیل در سفرش به آذربایجان در سال ۲۰۱۲ مبنی بر اهمیت بیشتر آذربایجان از فرانسه برای اسرائیل نشان از اهمیت آذربایجان در سیاست خارجی اسرائیل می‌دهد (Murinson, 2014:9). به دنبال همین عوامل جمهوری آذربایجان برای اینکه بتواند از حساسیت همسایه جنوبی خود بکاهد همواره سعی در ارتباط نسبتاً خوب بر اساس «اصل هم‌جواری» بوده است ولی عملاً منافع ملی خود را در ارتباط با رژیم صهیونیستی می‌بیند زیرا با توجه به قدرت نظامی اسرائیل، همچنین لابی قدرتمند آن در آمریکا و اروپا در محکومیت ارمنستان در مسئله قره‌باغ و ساختار سکولار این رژیم با جمهوری آذربایجان و همچنین حمایت رژیم صهیونیستی از حکومت حاکم بر آذربایجان و مخالفت با ایران و حمایت از جدایی‌طلبان آذری ایران، به دنبال روابط راهبردی برای کسب، حفظ و موازنه قدرت در منطقه قفقاز است تا بتواند از محیط آنارشیک بین‌الملل که در حل مسئله قره‌باغ ناتوان بود، امتیاز بگیرد. هرچند که طولانی شدن این مسئله برای حفظ حاکمیت طولانی‌مدت رهبران آذربایجان سودمند است. جمهوری آذربایجان با در نظر گرفتن ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل به دنبال افزایش قدرت خود در نظام بین‌الملل برای دست‌یابی به منافع ملی بیشتر است که این قدرت را در رابطه نزدیک با اروپا، آمریکا و اسرائیل می‌بیند. باین‌حال به دنبال قدرت نسبی است زیرا با وجود موقعیت

^۱ - Peripheral Alliance

ژئوپلیتیکی این کشور و قرار گرفته در میان قدرت‌های منطقه‌ای، بدون در نظر گرفتن منافع کشورهای هم‌جوار در دست‌یابی به منافع بیشتر ناکام می‌ماند.



فرصت‌های موجود در روابط جمهوری آذربایجان با اسرائیل

جمهوری آذربایجان از آنجایی که کشوری محصور در خشکی است (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۰) به دنبال مناسبات با دیگر کنشگران بین‌المللی بر اساس استقلال و تمامیت ارضی است به گونه‌ای که تمامیت ارضی به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه در مناسبات با دیگر دولت‌ها تعریف شده است. این مؤلفه از آنجا مهم می‌شود که ۱۶ درصد از خاک این کشور در اشغال ارمنستان و نیروهای طرفدار ارمنستان است (امیر احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۱). در این چارچوب جمهوری آذربایجان در سیاست خارجی به دنبال مناسبات با دولت‌هایی است که در کنار ایجاد موازنه در منطقه سیاست قاطعی از تمامیت ارضی این کشور داشته باشد و هر دولتی که با ارمنستان رابطه نزدیکی داشته باشد دشمن خود می‌داند (زیباکلام و آخوندی و کیانی، ۱۳۹۳: ۸۷). به دنبال همین موضوع این دولت در سیاست خارجی توجه خاصی به اسرائیل دارد و درباره حساسیت دیگر دولت‌ها همواره تأکید بر عدم دخالت در امور سایر دولت‌ها و ارتباط دیگر دولت‌ها با ارمنستان به‌عنوان دشمن این جمهوری را مطرح می‌کند.

۱. اقتصادی

این جمهوری بر اساس آمار شرکت نفت انگلیس و اداره اطلاعات آمریکا با دارا بودن بیش از ۳۲ درصد نفت دریای خزر و همچنین بیش از ۷ میلیارد بشکه نفت اثبات‌شده و ۳۲ میلیارد بشکه نفت احتمالی

و ۱۳,۴۵ تریلیون فوت مکعب گاز اثبات شده و ۳۵ تریلیون فوت مکعب گاز احتمالی و با دارا بودن بیش از ۱ درصد نفت جهان از مهم ترین کشورهای حوزه قفقاز در زمینه انرژی است (فیروزی، ۱۳۹۰: ۱۰۰) که فرصت های زیادی را برای سرمایه گذاری در این کشور فراهم کرده است. علاوه بر آن آذربایجان با دارا بودن مواد معدنی و غیر معدنی چون طلا، تیتانیوم، مس، سرب، آهن، آلومینیوم، سنگ و دیگر موادی چون پشم، پنبه، ابریشم و چرم دارای موقعیت مناسبی برای ورود به صحنه تجارت جهانی است (ساجدی، ۱۳۹۰: ۱۴۱). به سبب همین عوامل جمهوری آذربایجان درصدد شکوفایی اقتصادی خود از طریق جذب سرمایه گذاری خارجی است که در این میان اسرائیل با توجه به نیاز خود به این منابع و فراهم کردن فرصت سرمایه گذاری دولت های صاحب صنایع اقتصادی در این کشور از طریق لابی قدرتمند خود در آمریکا و اروپا فرصت مناسبی را برای جمهوری آذربایجان فراهم کرده است. لذا با توجه به نزدیکی آذربایجان به ایران و علاقه اسرائیل به حضور در نزدیکی مرزهای ایران این امر هموارتر شده است. در استراتژی امنیت ملی اسرائیل نفوذ اقتصادی مقدمه نفوذ سیاسی قلمداد می شود (امیدی و خیری، ۱۳۹۵: ۱۵۳). این امر سبب شده است ارتباط متقابل بین منافع آذربایجان و اسرائیل بر اساس نیاز متقابل ایجاد شود. به این ترتیب مهم ترین زمینه برای جمهوری آذربایجان که استفاده از قدرت اقتصادی اسرائیل است، فراهم می شود و اسرائیل هم به نفوذ سیاسی خود دست پیدا می کند. این موارد سبب شده است آذربایجان بتواند از وابستگی مطلق به روسیه و ایران در صنایع اقتصادی رها پیدا کند و با تنوع بخشیدن به مشتریان و متحدان اقتصادی قدرت مانور بیشتری با بهبود وضعیت اقتصادی در برابر همسایگان خود داشته باشد.

۲. ژئوپلیتیکی

در کنار عامل انرژی، این کشور با قرار گرفتن در منطقه مهم و استراتژیک قفقاز و داشتن همسایگانی مهمی چون روسیه و ایران مورد توجه خاص آمریکا و اسرائیل قرار دارد. این جمهوری میان سه تمدن ایرانی، روسی و ترکی قرار دارد و از لحاظ فرهنگی مرز بین اسلام و مسیحیت است. با توجه به جمعیت مسلمان و اکثریت شیعه مذهب، پتانسیل خیلی خوبی برای تعامل با کشورهای مسلمان جهان به ویژه ایران با جمعیت غالب شیعه مذهب دارد. این مؤلفه سبب جذابیت اسرائیل برای گسترش روابط با آذربایجان شده است. در کنار این مؤلفه ها، قرار گرفتن در مسیر ارتباطی اروپا و آسیا و همچنین قرار گرفتن در محیط جغرافیایی و امنیتی اروپا بر نقش و اهمیت آن افزوده است. این موارد سبب شده است جمهوری آذربایجان برای کسب، حفظ و گسترش حوزه قدرت خود به دنبال استفاده از فرصت های ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک خود در مناسبات بین المللی باشد. به گونه ای که

ورود اسرائیل در منطقه موازنه قدرت را برای جمهوری آذربایجان در برابر ایران و روسیه و ارمنستان به ارمغان می‌آورد. لذا استفاده از ظرفیت طبیعی- سیاسی که موقعیت جغرافیایی آذربایجان نصیب رهبران این کشور کرده است، جذابیت ویژه‌ای برای دولت‌های منطقه و فرامنطقه‌ای به‌منظور همراهی و جلب‌توجه سیاست خارجی آذربایجان فراهم کرده است لذا این موقعیت برتر(قرار گرفتن در مسیر ارتباطی اروپا و آسیا، ترانزیت انرژی، همسایگی با ایران، روسیه و ترکیه) سبب شده است به‌منظور تعدیل قدرت ایران و روسیه و رصد فعالیت‌های ایران در منطقه و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی منطقه، اسرائیل مناسبات خود را با آذربایجان با دید مثبت افزایش دهد. به‌عبارت‌دیگر، افزایش مناسبات با اسرائیل سبب فزونی اهمیت آذربایجان برای غرب می‌شود.

۳. توسعه تسلیحات نظامی و فناوری‌های جدید

قفقاز فرصت‌های زیادی را برای جمهوری آذربایجان در استفاده از منابع طبیعی قرار داده است و برای استفاده از این منابع و امکانات نیاز به علم و تکنولوژی می‌باشد. جمهوری آذربایجان برای استفاده از این منابع با توجه به ضعف اقتصادی و صنعتی و ادراک تهدید از هژمونی روسیه در منطقه، به دنبال شریک راهبردی در سیاست خارجی است که علاوه بر توانایی تأمین تسلیحات نظامی به فناوری جدید هم دسترسی آسان داشته باشد. از این منظر با توجه به قدرت نظامی و اقتصادی اسرائیل و همچنین سیستم سکولار این کشور و حمایت قاطع و همه‌جانبه اسرائیل از آذربایجان در مسئله قره‌باغ و همچنین بنیادگرایی اسلامی و تهدید ایران، شریک قابل‌اعتمادی در میان‌مدت برای این کشور شده است به‌گونه‌ای که تنها کنشگر بین‌المللی که علاوه بر تحریم سازمان ملل به ادامه صادرات نظامی به این جمهوری ادامه داده، اسرائیل بوده است(لیندن استراوس، ۱۳۹۴: ۸۴). حتی الهام علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان در تایید این امر، استفاده از علم و تکنولوژی اسرائیل را مهم‌ترین زمینه برای گسترش روابط دانسته(ساجدی، ۱۳۹۰: ۱۴۳). به دنبال این عوامل، آذربایجان به‌منظور افزایش قدرت مانور در بین همسایگان، به گسترش مراودات نظامی با اسرائیل روی آورده است. این گسترده‌گی همکاری یک‌طرفه نیست و اسرائیل هم در این ارتباط به دنبال رهایی از موانع ژئوپلیتیکی است و در گسترش مراودات با آذربایجان نقش بسزایی داشته به‌گونه‌ای که اغلب سفرهای مقامات ارشد از طرف اسرائیل صورت گرفته است. در کنار این می‌توان استفاده از علم و تکنولوژی اسرائیل در توسعه آذربایجان در بخش‌های مختلف اقتصادی، نظامی، امنیتی، کشاورزی و انرژی اشاره کرد که این ارتباط در توسعه این کشور و قدرت مانور در برابر جنگ با ارمنستان نقش به‌سزایی داشته است. در قراردادهای نظامی بخش عمده‌ای از تسلیحات هوایی، توپخانه‌ای، ضدتانک و سامانه‌های پیاده‌نظام و

هواپیماهای بدون سرنشین آذربایجان را اسرائیل تأمین می‌کند (سعادت قلی‌پور آذر، ۱۳۹۳: ۱۶۸). در کنار آن هم آذربایجان نفت خود را به اسرائیل صادر می‌کند. ارتباط اسرائیل و آذربایجان به گونه‌ای گسترش یافته است که امنیت رئیس‌جمهور آذربایجان در طول سفرهای خارجی را اسرائیل تأمین می‌کند (آبیل‌اف، ۱۳۹۲: ۵۱). نکته‌ای که در این مرآوده وجود دارد دستیابی آسان آذربایجان به تکنولوژی و تسلیحات غربی به خصوص آمریکا از طریق گسترش مرآوده با اسرائیل است که سبب تسهیل این امر شده است.

۴. سیاسی

حمایت‌های سیاسی از دیگر فرصت‌ها موجود در افزایش مناسبات با اسرائیل است. وجود گروه‌های قدرتمند ذی‌نفوذ (لابی) یهودی در آمریکا و اروپا بزرگ‌ترین فرصت را در حمایت بین‌المللی برای آذربایجان به ارمغان آورده است. لابی اسرائیل در آمریکا و اروپا برای تغییر رویکرد ضد آذربایجانی در ارتباط با جنگ ارمنستان به شدت فعال بوده به صورتی که بانفوذ و فشار لابی ارامنه در اروپا و آمریکا تحریم‌هایی از سوی این کشورها و سازمان ملل علیه جمهوری آذربایجان اعمال شده که در این زمینه لابی اسرائیل توانست موفق باشد و با اعمال نفوذ، توانسته تحریم‌ها اعمال شده علیه آذربایجان را بی‌اثر نماید. علاوه بر آن به نقش تعدیل‌کننده اسرائیل در قفقاز می‌توان اشاره کرد. حضور اسرائیل سبب موازنه قدرت در منطقه با توجه به حمایت اروپا و آمریکا از اسرائیل می‌شود. به طوری که حمایت‌های سیاسی صورت گرفت غرب از آذربایجان سبب شده تحرکات روسیه در قفقاز با آهنگ کندتری صورت بگیرد. همچنین اتحادیه اروپا قره‌باغ را بخشی از جمهوری آذربایجان می‌داند و آذربایجان یکی از شش کشور جمهوری شوروی سابق است که با اتحادیه اروپا قرارداد همکاری در «برنامه مشارکت شرقی» امضاء کرده است و متعهد به اصلاح ساختار سیاسی و اقتصادی خود شده است (امیدی و خیری، ۱۳۹۵: ۱۴۳). این عوامل سبب شده جمهوری آذربایجان بتواند در عملیات سازمان ملل برای صلح در افغانستان، کوزوو و عراق در کنار غرب حضور داشت باشد و اهرم سیاسی را در برابر کشورهای منطقه داشته باشد. لذا قدرت‌های منطقه از جمله ایران و روسیه در کنار ارمنستان به سبب اجماع سیاسی غرب در همراهی با رهبران آذربایجان در سیاست‌های منطقه‌ای، دامنه تحرکاتشان محدود شود.

۵. مقابله بانفوذ ایدئولوژیکی ایران

جمهوری آذربایجان در سیاست خارجی خود نفوذ ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی ایران را با توجه به شیعه‌مذهب بودن اکثریت جمعیت، سیستم سکولار حاکم و زمینه‌های تاریخی و فرهنگی مشترک با ایران را یک تهدید قلمداد می‌کند و همواره در سرکوب جنبش‌های اسلامی به بهانه اشاعه ایدئولوژی

انقلابی ایران در این کشور بوده است. حتی به بهانه‌های مختلفی از جمله جاسوسی برای ایران، احزاب و افراد سیاسی و مذهبی را دستگیر کرده (چابکی، ۱۳۸۸: ۷۲). بدین منظور حضور اسرائیل در جمهوری آذربایجان در راستای منافع آذربایجان بوده به گونه‌ای که از دلایل مهم روابط جمهوری آذربایجان با اسرائیل کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران و فشار بر این کشور قلمداد می‌شود (پناهی و امیری، ۱۳۹۴: ۴۶). لذا مقابله بانفوذ ایران از طریق فراهم کردن حضور آسان اسرائیل در نزدیکی مرزهای ایران، با توجه به دشمن شماره اول ایران، در این راستا ارزیابی می‌شود.

۶. تعدیل قدرت روسیه و ارمنستان

گسترش مناسبات آذربایجان با اسرائیل علاوه بر توسعه تسلیحات نظامی و اقتصادی سبب تعدیل قدرت روسیه و ارمنستان در آذربایجان شده است. این امر با پشتیبانی آمریکا و اروپا از سیاست‌های اسرائیل در قفقاز سبب شده، قدرت مانور روسیه در منطقه کاهش پیدا کند. در کنار این مورد با حمایت‌های سیاسی و نظامی اسرائیل از آذربایجان در جنگ با ارمنستان سبب شده اقدامات نظامی ارمنستان که تحت حمایت فدراسیون روسیه قرار دارد خنثی شود. لذا حمایت‌های اسرائیل با هموارسازی مواضع آذربایجان در غرب سبب تعدیل قدرت روسیه و ارمنستان شده است. به عبارت دیگر با هموارسازی روند صادرات تسلیحات نظامی به آذربایجان و اجماع سیاسی غرب در حمایت از آذربایجان، قدرت روسیه و ارمنستان در جمهوری آذربایجان با محدودیت روبه‌رو شده است.

۷. مشروعیت بخشیدن به حکومت

به هر اندازه که ماهیت دولت‌ها به هم نزدیک باشند دولت‌ها به‌طور طبیعی به سمت روابط جمعی امنیتی باهم می‌روند. از آنجایی که حکومت در جمهوری آذربایجان به شکل پدر میراثی (کولایی و اصولی، ۱۳۹۱: ۸۳) و تحت حاکمیت طولانی‌مدت خاندان حیدر علی‌اف قرار دارد، منافع شخصی گروه‌ها بر منافع عمومی ارجحیت دارد (اسمیرنوف و نوریان، ۱۳۸۳: ۱۲۲) بدین صورت برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود از طریق برقراری با حکومت‌هایی که ساختار سیاسی نزدیکی باهم دارند به دنبال مشروعیت بین‌المللی برای خود هستند. به دنبال همین اسرائیل به این مشروعیت، با داشتن سیستم سکولار با آذربایجان، در عرصه بین‌المللی با لابی خود در آمریکا و اروپا کمک می‌کند. همچنین از این ارتباطات خواهان جلوگیری از هویت‌یابی شیعیان در این کشور است.

تهدیدهای موجود در روابط جمهوری آذربایجان با اسرائیل

جمهوری آذربایجان برای کسب جایگاه قدرتمند و جلب نظر کشورهای غربی به دنبال تأثیرگذاری بر روندهای منطقه بر اساس رابطه نزدیک و راهبردی با اسرائیل است. این ارتباط و کشیدن پای

کشورهای فرا منطقه‌ای برای موازنه و کنترل کشورهای قدرتمند منطقه خالی از اقدامات و تهدیدهایی از سوی کشورهایی که منافع آن‌ها در تضاد با این راهبرد سیاست خارجی جمهوری آذربایجان است، نیست. در پایین به برخی از این تهدیدها اشاره می‌شود.

۱. تیرگی روابط با جمهوری اسلامی ایران

ایران با داشتن بیش از ۶۰۰ کیلومتر مرز مشترک با جمهوری آذربایجان اعم از ساحلی و خشکی و همچنین مهم ترین راه ارتباطی جمهوری آذربایجان به جمهوری خودمختار نخجوان از طریق زمینی و هوایی با توجه به قطع روابط با ارمنستان، از مهم ترین و تأثیرگذارترین کنشگر هم جوار با جمهوری آذربایجان است که در صورت عدم کمک ایران به جمهوری خودمختار نخجوان شرایط اقتصادی برای آن به شدت سخت می‌شود. همچنین ایران با داشتن وسعت، جمعیت، توان سیاسی و نظامی بالا و قرار گرفتن جمعیت آذری زبان بیشتر از خود جمهوری آذربایجان تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی بر منافع جمهوری آذربایجان دارد به گونه‌ای که به علت موقعیت استراتژیک ایران و عمق راهبردی به مراتب بیشتر از جمهوری آذربایجان، عدم توجه و ملاحظه منافع این کشور باعث آسیب پذیری این کشور می‌شود. جمهوری آذربایجان در موقعیتی قرار دارد که برای کشور مثل ایران نمی‌تواند خنثی باشد (نشریه بعثت، ۱۳۸۹: ۵۹۶) از آنجایی که اسرائیل به عنوان دشمن جدی ایران شناخته می‌شود برای ورود به کشورهای همسایه ایران تلاش می‌کند، تا از این طریق امنیت این کشور را تهدید کند. بدین منظور ورود اسرائیل در مرزهای شمالی ایران یک تهدید برای امنیت جمهوری اسلامی تلقی می‌شود. به عبارتی رابطه جمهوری آذربایجان با اسرائیل در تضاد با منافع ایران است زیرا هدف از ورود اسرائیل به قفقاز به ویژه جمهوری آذربایجان تهدید روانی ایران و به خطر انداختن و کوتاه کردن دست ایران از منافع اقتصادی و همچنین تهدید نظامی ایران و استفاده از پایگاه‌های نظامی آذربایجان برای حمله احتمالی نظامی به این کشور است. بعلاوه جاسوسی از ایران در قالب قراردادهای کشاورزی (و ثوقی و رضایی، ۱۳۹۴: ۱۸۲)، تحریک گروه‌های قومی آذری در ایران (سعادت قلی پور آذر، ۱۳۹۳: ۱۷۳)، کم کردن حاشیه امنیتی ایران به عنوان دشمن استراتژیک خود (حجت شمامی، ۱۳۸۸: ۳۶)، راهبرد همه چیز بدون ایران و علیه ایران (کرمی ناوه کش و نظر پور، ۱۳۹۲: ۶۲)، ایران هراسی (کرمی ناوه کش و علیپور، ۱۳۹۴: ۳۸) جز اهداف این رژیم در جمهوری آذربایجان است. حضور اسرائیل در آذربایجان به تقویت نخبگان و اگر با جمهوری اسلامی ایران می‌انجامد (پناهی و امیری، ۱۳۹۴: ۵۳). بر اساس اسناد منتشر شده از ویکی لیکس هدف اصلی اسرائیل از گسترش رابطه با آذربایجان حفظ هم پیمانی این کشور علیه ایران با هدف دستیابی به اطلاعات امنیتی و سری و همچنین در اختیار قرار گرفتن بازار

تسلیماتی این کشور است (وثوقی و رضایی، ۱۳۹۴: ۸۴). به دنبال این اهداف جمهوری آذربایجان با این روابط با دشمن ایران، باعث تیره شدن روابط خود با جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین همسایه خود که بیشترین تشابهات فرهنگی، تاریخی، دینی، جمعیتی و وابستگی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی را با آن دارد، می‌شود. به عبارتی جمهوری آذربایجان باید به این نکته توجه کند که موقعیت کشورش به گونه‌ای است که در محیط امنیتی ایران قرار دارد و نمی‌تواند برای ایران حالت خنثی باشد و باید حساسیت ایران را نیز در نظر بگیرد.

۲. فدراسیون روسیه

آذربایجان با فدراسیون روسیه ۲۸۹ کیلومتر مربع مرز مشترک (در شمال) دارد. رابطه با روسیه برای آذربایجان به علت داشتن مؤلفه‌هایی از جمله وسیع‌ترین کشور جهان، قدرت نظامی، سیاسی، هسته‌ای، اقتصادی، منابع انرژی وسیع، متحد راهبردی ارمنستان در منطقه و عضو دائم شورای امنیت بسیار مهم است به گونه‌ای که بدون جلب توجه روسیه قادر به حل مسئله قره‌باغ و رسیدن به اهداف مطلوب سیاست خارجی در منطقه نیست. اسرائیل به عنوان متحد راهبردی آمریکا و غرب در منطقه، نوعی تهدید برای روسیه محسوب می‌شود. زیرا این حضور اسرائیل با پشتوانه و حمایت آمریکا موازنه تهدید را علیه روسیه برقرار می‌کند و قدرت مانور روسیه را در منطقه قفقاز که حیات خلوت روسیه محسوب می‌شود، به چالش می‌کشد. از این منظر رابطه آذربایجان با اسرائیل و حمایت غرب از این رابطه به نوعی اتحاد علیه قدرت گرفتن فدراسیون روسیه در منطقه است. این امر باعث تحریک روسیه می‌شود و این کشور را به تحرکات ضد آذربایجانی و همکاری با دشمن این کشور (ارمنستان) ترغیب می‌کند.

۳. کشورهای اسلامی

جمهوری آذربایجان با داشتن بیش از ۹۷ درصد جمعیت مسلمان به عنوان دولتی اسلامی تلقی می‌شود بدین منظور به دنبال همکاری با کشورهای اسلامی و جلب توجه کشورهای اسلامی برای حمایت از این کشور در جنگ با ارمنستان به عنوان کشوری غیرمسلمان و مسیحی است. در این راستا این کشور عضو سازمان همکاری اسلامی شد و مورد حمایت این سازمان قرار گرفت. این سازمان که متشکل از ۵۶ کشور اسلامی جهان است در جنگ این کشور با ارمنستان جانب آذربایجان را گرفت و در محافل بین‌المللی اشغال قره‌باغ را محکوم کرده است. با این توضیحات رابطه جمهوری آذربایجان با اسرائیل که خواهان تضعیف قدرت دولت‌های اسلامی است و همواره در تضعیف آن‌ها تلاش کرده و از بدو موجودیت یکی از دولت‌های اسلامی (فلسطین) را اشغال کرده و بارها با آن‌ها وارد جنگ شده

است، سبب خدشه‌دار کردن جلوه این کشور نزد دولت و ملت‌های اسلامی می‌شود که بارها ارتباط با رژیم صهیونیستی مورد انتقاد مقامات کشورهای مختلف اسلامی شده است. با توجه به این امر این سیاست آذربایجان که کشوری اسلامی است، باعث تضعیف جایگاهش در بین کشورهای اسلامی می‌شود و در گسترش روابط با این سازمان با مشکل روبرو می‌شود.

۴. تضاد ایدئولوژیکی

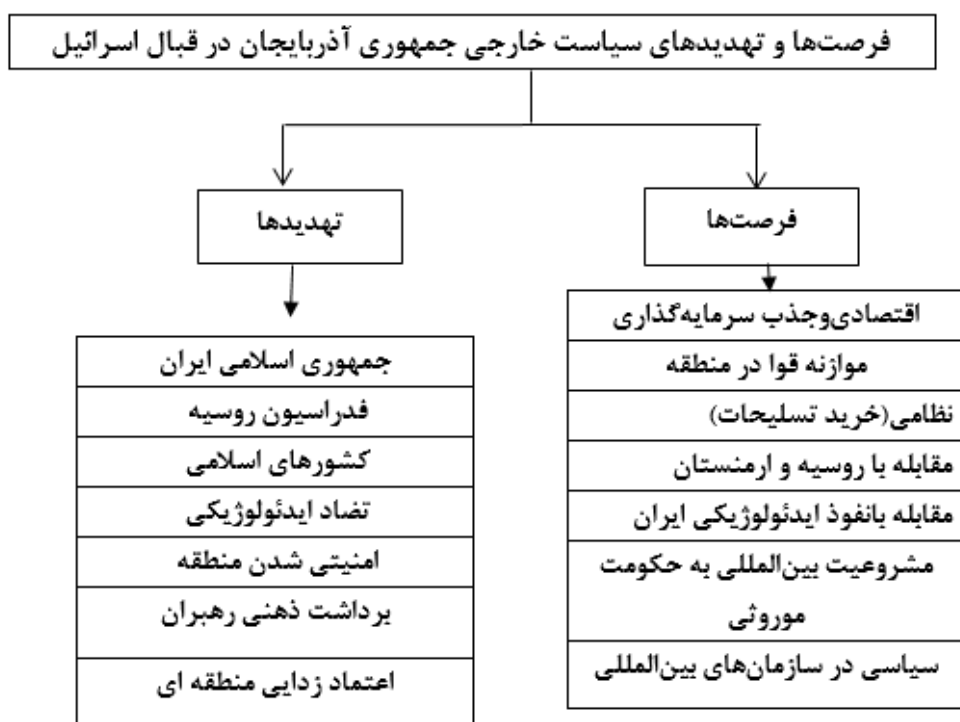
جمهوری آذربایجان دولتی مسلمان و دارای ایدئولوژی‌ای است که در تضاد با اسرائیل می‌باشد. به دنبال این روابط، نفوذ ایدئولوژی اسرائیل اعم از سیاسی و دینی سبب می‌شود جامعه آذربایجان در معرض این نفوذ قرار گرفته و هویت دینی آن‌ها مورد تهدید قرار گیرد. با توجه به ساختار سکولار هر دو کشور به علت منسجم بودن اهداف بلندمدت اسرائیل از رابطه با آذربایجان، نقش و هویت اسلام شیعی آذربایجان دستخوش هجوم فرهنگ اسرائیل قرار می‌گیرد. که این تهدید از میسونرهای فرهنگی اسرائیل که در آذربایجان برگزار می‌شود قابل لمس است. اسرائیل هویت شیعی جمهوری آذربایجان را در راستای شیعی ایران می‌داند و به دنبال جلوگیری از نفوذ و احیای این هویت است. همچنین گسترش روابط می‌تواند مقابله مردم با حکومت را در پی داشته باشد به گونه‌ای که در اعتراضاتی که از سفر مقامات سیاسی اسرائیل به آذربایجان می‌شود قابل مشاهده است. زیرا این ترس وجود دارد که این گسترش روابط باعث به خطر افتادن هویت اسلامی آذربایجان شود.

۵. امنیتی شدن منطقه

جمهوری آذربایجان با فراهم کردن زمینه برای ورود بازیگران فرا منطقه‌ای به قفقاز باعث امنیتی شدن منطقه می‌شود. به گونه‌ای که محور آمریکا، اسرائیل، جمهوری آذربایجان، ترکیه در برابر محور ایران، روسیه، ارمنستان و تا حدودی یونان باعث رودررویی این کشورها در منطقه می‌شود. جمهوری آذربایجان محور ایران، ارمنستان، روسیه را دشمن خود می‌پندارد (چابکی، ۱۳۸۸: ۷۴) و برخلاف خواست کشورهای منطقه خواهان حل مشکلات خود از طریق ترتیبات فرا منطقه‌ای است به گونه‌ای که روابط نظامی و امنیتی زیادی با محور کشورهای خارج منطقه دارد که این امر باعث بالا رفتن امنیتی شدن منطقه می‌شود. زیرا کشورهای منطقه برای مقابله با این محورها اقداماتی اتخاذ می‌کنند که باعث بالا رفتن تنش در منطقه می‌شود و این امر تهدیدی برای جمهوری آذربایجان خواهد بود زیرا برخلاف کشورهای فرا منطقه‌ای این کشورها دارای مرز مشترک با آذربایجان هستند. همچنین قفقاز را موزاییک اقوام می‌نامند (عباسی و موسوی، ۱۳۹۲: ۶۶) که این عامل می‌تواند باعث تحریک اقوام این منطقه شود.

۶. برداشت ذهنی رهبران

برداشت رهبران آذربایجان از رابطه با اسرائیل در چارچوب دیپلماسی و تغییر موازنه قدرت در منطقه و پس گرفتن اراضی اشغالی خود تعریف می‌شود درحالی‌که اسرائیل به دنبال نفوذ در منطقه و مقابله با ایران و کشورهای اسلامی و جاسوسی و رصد تحرکات نظامی این کشور و نفوذ در ساختار سیاسی آذربایجان و تقویت یهودیان این کشور به‌منظور اهرم فشار برای تعدیل سیاست خارجی آذربایجان و کاهش تفکرات اسلامی- شیعی است. به عبارتی ادراکات رهبران آذربایجان در توسعه مناسبات در تضاد با ادراکات اسرائیل که به‌منظور تحت‌فشار قرار دادن ایران است، می‌باشد.



چشم‌انداز روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل

جمهوری آذربایجان در بین دولت‌های منطقه قفقاز بیشترین مناسبات سیاسی و نظامی را با رژیم اسرائیل دارد (قلی‌زاده و کفاش‌جمشید، ۱۳۹۳: ۱۶۵). همچنین بنا بر گواه زمامداران اسرائیل بهترین روابط را در میان کشورهای اسلامی، جمهوری آذربایجان با اسرائیل دارد (احمدی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۶۱). می‌توان بیان کرد که با توجه به فرصت‌ها و تهدیدهایی که روابط با اسرائیل برای جمهوری آذربایجان به

ارمغان می‌آورد، این جمهوری تمایل به گسترش هر چه بیشتر روابط با اسرائیل بر مبنای موازنه قوا دارد. اگرچه تهدیدهایی که این روابط به دنبال خود دارد باعث شده است جمهوری آذربایجان نیم‌نگاهی هم به روابط با همسایگان خود داشته باشد اما به علت فرصت‌هایی که روابط با اسرائیل نصیب این کشور می‌کند، همچنین علاقه خاص این کشور در قرار گرفتن در ترتیبات غرب، خواهان گسترش روابط با این رژیم است. به دنبال همین جمهوری آذربایجان از این فرصت‌های به‌دست‌آمده سعی در مهار کشورهای منطقه از جمله ایران و خروج از هژمونی روسیه و موانع ژئوپلیتیکی دارد. علاوه بر آن تیرگی روابط اعراب با اسرائیل و ادامه داشتن مسئله فلسطین و به رسمیت نشناختن رژیم صهیونیستی توسط جمهوری اسلامی ایران، باعث هرچه بیشتر شدن اهمیت آذربایجان برای اسرائیل می‌شود به طوری که بیان می‌شود اگر جمهوری آذربایجان با ایران همسایه نبود تا این حد اسرائیل و آمریکا با جمهوری آذربایجان روابط گسترده‌ای نداشتند (محسنی و نایب پور، ۱۳۹۱: ۹۹). همچنین مسئله قره‌باغ و بنیادگرایی اسلامی باعث توجیه رابطه جمهوری آذربایجان با اسرائیل و حفظ حاکمیت الهام‌علی‌اف در جمهوری آذربایجان شده است. با همه اختلافات در میان احزاب مختلف جمهوری آذربایجان بر سر مسائل مختلف، همه آن‌ها تأکید بر گسترش روابط با اسرائیل به منظور فشار بر کشورهای منطقه دارند. در این رابطه هم اسرائیل کوشیده است با گسترش روابط فرهنگی خود از طریق یهودیان آذربایجانی با کاهش هویت شیعی این جمهوری در هموار کردن گسترش روابط موفق شود به طوری که با عوامل اقتصادی، سیاسی، نظامی به‌ویژه فرهنگی سعی در القای این مطلب است که با روابط با اسرائیل می‌توان به توسعه و پیشرفت رسید. در این رابطه کاهش هویت فرهنگی و اسلامی آذربایجان در هرچه بیشتر شدن روابط دو کشور بسیار کارگشا بوده. مبارزه با بنیادگرایی اسلامی و سرکوب اعتراضات شیعیان و جلوگیری از ورود احزاب اسلامی در سیاست را می‌توان در این راستا تعریف کرد. به عبارتی اسرائیل به‌عنوان شریک قابل‌اعتماد برای جمهوری آذربایجان به‌منظور دست‌یابی جمهوری آذربایجان به اهداف سیاست خارجی، نقش قابل‌ملاحظه‌ای در منطقه و جهان برای آذربایجان دارد و این رابطه به‌مرور زمان با رویکرد کنونی، روزبه‌روز گسترش خواهد یافت.

نتیجه‌گیری

جمهوری آذربایجان به سبب موانع ژئوپلیتیکی که مهم‌ترین آن محصور بودن در خشکی و قرار گرفتن در میان دولت‌های روسیه، ایران و ارمنستان است به‌ناچار سیاست خارجی را دنبال می‌کند که بتواند علاوه بر موازنه قوا با رقبای منطقه‌ای، از یوغ و هژمونی دو قدرت برتر (روسیه و ایران) خارج شود. این

امر با کاهش وسعت و جمعیت در کنار نداشتن عمق ژئوپلیتیکی و داشتن مرزهای طویل با کشورهای ارمنستان، روسیه و ایران دوچندان می‌شود. برای این منظور هم سیاست خارجی موازنه ناقص را پیش گرفته است به صورتی که دولت‌های روسیه و ایران را آن‌چنان تحریک نکند که واکنش شدیدی این دولت‌ها را در پی داشته باشد. لذا با دانستن این موضوع، به دنبال گسترش روابط با ترتیبات فرامرزشی است به گونه‌ای که بتواند در گذر موازنه قدرت توانمندی‌های زیادی در عرصه داخلی و خارجی به دست آورد. در واقع وجود موانعی از جمله ضعف اقتصادی، نظامی و سیاسی، نداشتن عمق استراتژیک و همچنین وجود اقوام مختلف در این کشور، سبب شده اولویت امنیت در صدر سیاست خارجی این کشور قرار بگیرد. در این چارچوب به منظور کسب امنیت بیشتر به دنبال افزایش مناسبات با ترتیبات امنیتی است. از جمله این ترتیبات امنیتی رژیم اسرائیل می‌باشد که به سبب قرارگیری آذربایجان در مرزهای ایران، به شدت خواهان ایفا کردن این نقش برای آذربایجان است. به عبارتی اسرائیل با فراهم کردن اجماع سیاسی در آمریکا و اروپا از طریق لابی‌های یهودی سبب اغنای امنیتی آذربایجان در منطقه به‌ویژه در ارتباط با مسئله قره‌باغ می‌شود. این عمل سبب شده دامنه قدرت و نفوذ ایران در منطقه به‌شدت کاهش پیدا کند. در واقع حضور پررنگ اسرائیل در آذربایجان موانع جدی را برای نفوذ ایران در آذربایجان ایجاد کرده است این امر با حمایت ایران و روسیه از ارمنستان و اسرائیل از آذربایجان در مسئله قره‌باغ بیشتر قابل لمس می‌شود. ادراکات رهبران آذربایجان از تحرکات ایران و روسیه سبب افزایش پیوندهای امنیتی آذربایجان با اسرائیل شده به صورتی که این روابط با همه انتقادات از سوی همسایگان، رو به گسترش است.

فهرست منابع

- سیف زاده، حسین (۱۳۹۰)، اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)، چاپ هفتم، تهران، نشر میزان.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۲)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، چاپ نوزدهم، تهران، سمت.
- واحدی، الیاس (۱۳۸۲)، برآورد استراتژیک آذربایجان: سرزمینی، سیاسی، فرهنگی - اجتماعی (جلد اول)، تهران، انتشارات موسسه ایرار معاصر.
- لاوسون، استفانی (۱۳۹۵)، نظریه‌های روابط بین‌الملل رویکردهای متعارض به سیاست جهانی، ترجمه عبدالمجید سیفی، تهران، مخاطب.
- آبیل اف، شامخال (۱۳۹۲)، «روابط بین آذربایجان و اسرائیل: مشارکتی غیر دیپلماتیک اما راهبردی»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکا شناسی - اسرائیل شناسی، سال ۱۵، شماره اول.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله و ملاقدیمی، علی‌رضا (۱۳۸۷)، «اصول و ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری آذربایجان»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۲.
- احمدی، حسین و رحیمی، محمدمهدی (۱۳۹۰)، «شرایط سیاسی - اجتماعی جمهوری آذربایجان و اوضاع شیعیان/ اکثریت دربند»، ماهنامه زمانه، شماره ۱۷.
- ارس، بولنت (۱۳۷۸)، «استراتژی اسرائیل در جمهوری آذربایجان و آسیای مرکزی»، ترجمه حمید احمدی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۲۰.
- اسمیرنوف، سرگئی و نوریان، رضا (۱۳۸۳)، «جمهوری آذربایجان: انتقال قدرت»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۱۳، دوره ۴، شماره ۴۶.
- امیدی، علی و خیری، مصطفی (۱۳۹۵)، «تأثیر روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل بر امنیت ملی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۷۳.
- امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۹)، «جمهوری آذربایجان و مسئله قره‌باغ»، فصلنامه آران، سال ۸، شماره ۲۳.
- پناهی، علی‌رضا و امیری، اقبال (۱۳۹۴)، «تأثیرات حضور اسرائیل در جمهوری آذربایجان بر امنیت ملی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، سال ۵، شماره ۱۳.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر و رضازاده، حبیب و حضرت پور، سعیده (۱۳۹۳)، بررسی علت‌های سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۷، شماره ۱.
- چابکی، ام‌البنین (۱۳۸۸)، «چالش‌های روابط ایران و جمهوری آذربایجان»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۲، شماره ۴.
- حجت شامی، رضا (۱۳۸۸)، «اسرائیل؛ جستجوی هویت گمشده در آذربایجان»، دومه‌نامه تحولات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز (ایراس)، شماره ۲۲.
- حسین اف، وصال (۱۳۸۷)، «تاریخچه نام جمهوری آذربایجان»، سخن تاریخ، شماره دوم.

- حق شناس، محمدرضا (۱۳۹۲)، «واقع‌گرایی نوکلاسیک: از سیاست بین‌الملل تا سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۷، شماره ۳.
- خلیلی، محسن و حیدری، جهانگیر و صیادی، هادی و اصغری ثانی، حسین (۱۳۹۱)، «ژنوم‌های ژئوپلیتیک مؤثر در سیاست خارجی ایران و جمهوری آذربایجان»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره ۳.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۰)، «واقع‌گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۵، شماره ۲.
- زیباکلام، صادق و آخوندی، هادی و کیانی، علی‌نقی (۱۳۹۳)، «آمریکا و تأثیر آن بر دستیابی ایران به هدف‌های خود در منطقه قفقاز (مطالعه موردی جمهوری آذربایجان)»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۷، شماره ۱.
- ساجدی، امیر (۱۳۹۰)، «طرح پیرامونی و همکاری آذربایجان و اسرائیل»، فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج، شماره ۱۶.
- سعادت‌قلی‌پور آذر، علی (۱۳۹۳)، «بررسی نشانگاه‌های اطلاعاتی - امنیتی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۷۸.
- عباسی، مجید و موسوی، سید محمدرضا (۱۳۹۲)، «روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۶، شماره ۲.
- فیروزی، علی (۱۳۹۰)، «گسترش روابط جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی با تأکید بر انرژی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۳.
- قلی زاده، سید ابراهیم و کفاش جمشید، محمدرضا (۱۳۹۳)، «فرصت‌ها و چالش‌های عمق‌بخشی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان»، مجله‌ی سیاست دفاعی، سال ۲۱، شماره ۸۶.
- کرمی ناوه‌کش، محسن و علیپور، عباس (۱۳۹۴)، «نفوذ ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، شماره ۱۴.
- کرمی ناوه‌کش، محسن و نظریور، داوود (۱۳۹۲)، «منابع نفت و گاز جمهوری آذربایجان، تحرکات انرژی اسرائیل و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات منطقه، شماره ۴۹.
- کولایی، الهه و اصولی، قاسم (۱۳۹۱)، «چگونگی تغییر روابط امنیتی شده ایران و جمهوری آذربایجان»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۵، شماره ۱۱.
- گروه پژوهش مؤسسه (۱۳۸۸)، «گزارش سفر شیمون پرز به جمهوری آذربایجان و قزاقستان»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۳۸.
- لیندن استرائوس، گالیا (۱۳۹۴)، «جمهوری آذربایجان - رژیم صهیونیستی اسرائیل: روابط ویژه به‌رغم تنگناها»، ترجمه مهسا مهرانگیز، فصلنامه مطالعات منطقه، شماره ۵۹.

محسنی، بهرام و نایب پور، مجاهد (۱۳۹۱)، «ژئوپلیتیک و روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان»، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، سال ۱۸، شماره ۶۵.

محمودی، یوسف (۱۳۸۵)، «تهادهای فرهنگی یهودی آذربایجان»، ماهنامه ایراس، شماره ۱۰
نشریه اجتماعی- فرهنگی «بعثت» (۱۳۸۹)، «ترس آمریکا و صهیونیستها از ژئوپلیتیک شیعی جمهوری آذربایجان»، درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۸، سال ۵۰.

واحدنوا، عارف (۱۳۸۳)، جمهوری خودمختار تالشان و مسجد سازی ایران در قفقاز، گزارش، شماره ۱۵۴.
وثوقی، سعید و رضایی، مسعود (۱۳۹۴)، «نگاهی ایرانی به فهم موانع و ناکامی در روابط تهران - باکو»، فصلنامه سیاست جهان، دوره ۴، شماره ۴.

Dehghani, firouz Abadi, jalal & Zare Ashkezari·Mojtaba (2016), «Neo-classical Realism in International Relations, *Asian Social Science*, Vol. 12, No. 6.

Murinson, Alexander (2014), «the Ties between Israel and Azerbaijan, the Begin-Sadat Center for Strategic Studies», *Bar-Ilan University, Mideast Security and Policy Studies*, No. 110.

Rathbun, Brian.(2008), «A Rose by Any Other Name:Neoclassical Realism as the Logical and Necessary Extension of Structural Realism», *Taylor & Francis Group*.

Rose, Gideon (1998), «Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy», *Word Politics*, Vol. 51, No. 1.